



**HISTORY**  
AND INTERDISCIPLINARY  
INTERACTIONS

نفا مپیریندرا  
نفا مپیریندرا



# چکیده مقالات

نخستین همایش تخصصی  
تاریخ و همکاری‌های میان رشته‌ای

تهران

اسفند ماه ۱۳۹۰

میرهادی حسینی

۶۶.....IT و همکاری تاریخ و مبانی نظری و کاربردی

دکتر حسن حضرتی

۶۷.....تاریخ شناسی و مطالعات بین رشته ای: فرصت یا تهدید؟

لطفاله خدایی راد

۶۸.....گفتگو با تاریخ: دیالوژیسم و روش شناسی تاریخ

صبح قنبری؛ صبح خسروی زاده

۶۹.....شکل گیری شهر سرپل زهاب در دوره قاجار

دکتر محسن خلیلی

۷۰.....نبرد مرگ و زندگی: جست و جوی راهی برای ماندگاری تاریخ

نسیم خلیلی

۷۲.....چرایی و چگونگی کارست نظریه ی بینامتنیت در پژوهش های تاریخی

محمود ذکاوت؛ محمد ذکاوت

۷۳.....شناخت تاریخ در پیوند تاریخ و زبان شناسی

دکتر محسن رتانی

۷۴.....تاریخ و اقتصاد: علوم جانشین یا مکمل؟

دکتر بایرامعلی رنجگر

۷۶.....تاریخ سنجی: محل تلاقی تاریخ، علم و روانشناسی

دکتر فرزانه سجودی

۷۷.....نشانه شناسی تاریخی: عرصه ی گفتگوی جنبه های در زمانی و همزمانی مطالعه ی فرهنگ

## نبرد مرگ و زندگی: جست و جوی راهی برای ماندگاری تاریخ

دکتر محسن خلیلی

استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد.

mohsenkhalli1346@yahoo.com

تاریخ، به عنوان یک انتظام دانش گاهی، به آرامی، در حال اضمحلال است؛ اما، به مثابه‌ی تفتنی عبرت آموز و خاطره انگیز، هوادار، بسیار دارد که اعجاب آورانه، علاقه مندان پرشماری را به سوی خود کشانده است. گریز از زوال، تاریخ راه محتاج ساخته است؛ زیرا، دانش تاریخ، نیازمند مددیابی از معرفت «ها»ی گوناگون است؛ زان سبب که تاریخ، دو پیکره دارد: از یک سو، واقع‌های به جامانده از گذشته؛ و دیگر، تفسیر رخ داده‌های روی داده در بسترهای زمان مند/ مکان مند مشاهده ناپذیری گذشته‌ی سپری شده، خودبه خود، نشان گر آن است که ما، به منزله‌ی کنش گران شناخت، توان استدراک آن را از دست داده‌ایم. کار ما، بازخوانی، بازتفسیر و بازنمون گذشته است که به حذف جرح، بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی وقایع، می‌انجامد. تاریخ، بنابراین، تبدیل به متنی می‌شود که موزخ، هنگام کار درباره‌ی واقع‌ها، «خلق» می‌کند و به تعبیری، «جعل». نگارش نوشتار تاریخی، دست آورد شکاف بین گذشته و حال است؛ شکافی هستی/ وجودشناختی که نهفته در سرشت پدیده‌هاست. نگارش یک متن تاریخی، در قالب سامان دهی دوباره‌ی خوانش روی داده‌ها و در میان حب و بغض منتفع و متضرر شوندگان، برسازی می‌شود و قوام می‌یابد. هنگامی که گذشته را یک متن مملو از متون کهن می‌دانیم که باید خوانده شود و معنادار گردد، معنادار کردن را از خود گزارش‌های تاریخی، انتظار نداریم؛ بلکه، آن را کارویژه‌ی علوم اجتماعی به حساب می‌آوریم. تأویل متن، به معنای توجه هم‌زمان به ساختار زبانی، از یک سو، و فهم معنای متن، از دیگر سو، امکان گشودن دنیای متن را برای خواننده فراهم می‌آورد. این امر، از آشتی میان فیلسوف و موزخ، رخ-نمون نمی‌شود؛ زیرا، هدف موزخ، بازسازی تصویر جزء به جزء گذشته، و هدف فیلسوف، دریافت نظریات کلی، است؛ اما، از آشتی میان تاریخ و علوم اجتماعی به دست می‌آید، زیرا، کارویژه‌ی علوم اجتماعی، عبارت از کمک به سایر نظم‌های درسی و بهبود فرایند فهم است. نگارنده، در جست‌وجوی یافتن راهی برای کمک به زوال‌گریزی تاریخ است؛ بنابراین، با بهره‌گیری از رویکردهای گونه‌گون میان‌رشته‌ای (عمودی/ افقی، وسیع/ عمیق، بسته/ باز، پژوهشی/ آموزشی،



عمل‌گرا/ انتقادی)، کوشش خواهد کرد نشان دهد که کدام یک از گونه‌های درون‌رشته‌گی }  
Intradisciplinary}، بین‌رشته‌گی } Crossdisciplinary}، میان‌رشته‌گی }  
Interdisciplinary}، چندرشته‌گی } Multidisciplinary}، تکثررشته‌گی }  
Pluridisciplinary}، فرارشته‌گی } Transdisciplinary}، پسا‌رشته‌گی }  
Postdisciplinary}، و متارشته‌گی } Multidisciplinary}، می‌توانند تاریخ را، دوباره،

کرسی‌نشین قدرت‌مند انتظام‌های دانش‌گاهی، نمایند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ، روی‌کردهای میان‌رشته‌گی، گونه‌شناسی میان‌رشته‌ای.